ادامه از صفحه ۶

نژادپرستی بین ایرانی‌ها: آری یا خیر!؟

آشوری‌ها و ارمنی‌ها پس از نسل‌کشی عثمانی و کردها پس از نسل‌کشی صدام به ایران پناهنده شدند! خود عرب‌ها نیز پناهگاهشان همیشه ایران بود. عراق و کویت دوره‌ای متحد هم بودند. کویت حامی مالی صدام در جنگ با ایران بود. اما وقتی صدام به کویت حمله کرد، کویتی‌ها به ایران پناهنده شدند، وقتی آمریکا واکنش نشان داد و به عراق حمله کرد، مجددا بخشی از عراقی‌ها در جنگ اول خلیج فارس آواره ایران شدند. هم عراقی‌ها و هم کویتی‌ها به ایران پناه آوردند! جالب است. به‌راستی ایران چه عظمت و بزرگی‌ای دارد که همه به آن پناه می‌آورند! پس این موجودیت یک پدیده ساده و بسیط نیست و پیچیدگی‌ها و عمق بیشتری دارد». سیف‌الدینی گفت: «درباره افغان‌هایی که جناب زیباکلام همواره روی به‌اصطلاح مظلومیت آنها تأکید دارند، فقط این نکته را می‌گوییم، که کشوری مثل پاکستان برای مهاجران افغان کمپ درست کرد و آنها را به کمپ فرستاد، اما در ایران افغان‌ها یک روز هم در کمپ نبودند. مؤسسات خیریه‌ای مثل محک به کودکان سرطانی بدون توجه به ملیت‌شان کمک می‌کنند، مؤسسه‌های خیریه مانند امام علی(ع) هم همین‌طور. این پول‌ها را مردم ما می‌دهند». سیف‌الدینی در پایان سخن گفت: «اینکه یک خط مشخصی وجود دارد و علاقه‌مند است مسائل و مشکلات کشور را با امر نژادپرستی توضیح دهد، پیامدهایی دارد. به نظر من موضوع فقط نژادپرستی نیست؛ بلکه لابه‌لای سطور این پارادایم نسبتا جدید مهم است. پیامدهای این بحث این است که مکانیسم دفاعی‌ای که از ما، ما می‌سازد، در نقدهایی شبیه نقدهای آقای زیباکلام به آن تهاجم می‌شود. می‌خواهند مکانیسم دفاعی ملت ایران را حذف کنند، مثل همین موضوع نیروی ارتش و مهم‌تر از آن یک‌سری ارزش‌های مهم هزاران‌ساله. دفاع طبیعی‌تر حقوق یک فرد و یک ملت است. نمی‌توان دفاع مشروع یا شجاعت را به اسم نژادپرستی تعطیل کرد تا تهدیدات عینی‌ای که در اطراف و اکناف کشور ما وجود دارد، بر ما مستولی شوند.

احسان هوشمند: ادعای نژادپرستی آکادمیک نیست

احسان هوشمند، پژوهشگر حوزه مطالعات قومی، در ادامه بخش پرسش‌وپاسخ گفت: آقای زیباکلام قبل از اینکه به بسط نظرات خود درباره نژادپرستی ایرانیان بپردازد، باید مقصود و تعریف دقیق خود از نژادپرستی را ارائه دهد؛ درحالی‌که تاکنون زیباکلام از این امر بدیهی در گفتارهای علمی و آکادمیک طفره رفته است و چارچوبی مفهومی مبتنی بر رویکردهای علمی و دانشگاهی از موضوع بحث‌شده ارائه نداده است؛ یعنی مشخص نیست که نژادپرستی ادعاشده آقای زیباکلام چه نسبت و ارتباطی با متون کلاسیک و نیز متون علمی جدید مطالعات نژادی در جهان معاصر دارد؟ هوشمند در ادامه افزود: امروز در جامعه ایران درباره برخی گروه‌های مذهبی، ازجمله جامعه اهل سنت یا جامعه اهل حق یا گروه‌های تصوف و دیگر گروه‌های مذهبی با مسائلی روبه‌رو هستیم؛ اما این مسائل موجب نمی‌شود که چنین مشکلاتی را به نژادپرستی تعبیر کنیم؛ چراکه نژادپرستی اصطلاحی علمی با ادبیات خاص خود است و به‌کارگیری مفاهیم در علوم اجتماعی دچار چنان هرج‌ومرجی نیست که بتوان هر پدیده‌ای را در حیطه‌ای متفاوت با سلیقه شخصی در قالب واژه‌هایی با حیطه معنایی خاص به کار برد. هوشمند در بخش دیگری از سخنان خود افزود: جناب زیباکلام چنین مدعایی را که ایرانیان یعنی اکثریت ایرانیان نژادپرست هستند یا برتری‌طلب هستند از کجا آورده است؟ آیا ایشان مطالعه و پیمایش و کار میدانی خاصی دراین‌باره انجام داده و پس از بررسی‌های مطالعاتی و احصای آمار و تحلیل آماری به این نکته واقف شده است که ایرانیان نژادپرست هستند؟ یعنی فرضیه نژادپرست‌بودن ایرانیان را چگونه آزموده و چگونه به اثبات رسانده است؟ به سخن دیگر ملاک صدق گزاره نژادپرستی ایرانیان که گزاره‌ای از جنس جامعه‌شناختی است، براساس کدام پژوهش میدانی و چگونه برای آقای زیباکلام تأیید و اثبات شده است؟ مشخص است که هیچ مطالعه میدانی و جامعه‌شناختی‌ای چنین گزاره‌ای را تأیید نمی‌کند؛ پس باید نتیجه گرفت اعتبار گزاره ایرانیان نژادپرست هستند، برآمده از یافته‌های علمی و میدانی نیست؛ بلکه ملاک صدق گزاره فوق تنها ادعایی آزمون‌نشده، مبهم و برآمده از ذهن گوینده است و هیچ مطالعه میدانی و پیمایشی آن را تأیید نمی‌کند؛ یعنی آقای زیباکلام به عنوان شخصیتی سیاسی و رسانه‌ای که در دانشگاه تهران تدریس می‌کند داعیه‌ای را طرح کرده و ملاک صدق یا کذبش را آمار و ارقام و مطالعه‌ای میدانی یا مبتنی بر پژوهش‌های دیگران قرار نداده است؛ بلکه چنین گزاره‌ای صدقش را از جایگاه شغلی و رسانه‌ای گوینده می‌گیرد؛ یعنی چون من شخصیتی رسانه‌ای و مشهور هستم؛ پس هر چیزی را بیان کنم صدق دارد! هوشمند در پایان تأکید کرد حدود و ثغور مفهوم نژادپرستی و مفهوم خودبزرگ‌بینی و دیگر مفاهیم به‌کاررفته به‌وسیله آقای زیباکلام مشخص نیست و از نظر مفهومی به‌کارگیری چنین واژه‌هایی به دانش ما ایرانیان درباره آسیب‌های موجود جامعه ایرانی نه‌تنها چیزی اضافه نمی‌کند؛ بلکه خود آسیب‌های تازه‌ای را بر پیکره اجتماعی‌مان وارد می‌آورد.

سخنگوی دولت تأکید کرد:

عاملان حمله به سفارت عربستان به سزای اعمالشان برسند

عکس: مرضیه رسولی، ایرنا

شرق: نشست خبری سه‌شنبه‌های سخنگوی دولت، روز گذشته در ساختمان کوثر برگزار شد. «محمدباقر نوبخت»، ابتدای ورودش به سالن، توضیحات مفصلی درباره چند اقدام دولت ارائه کرد. پس از این توضیحات، او به سؤالاتی درباره دادگاه متهمان حمله به سفارت عربستان، نقض برجام، اتهام‌زنی به «حسین فریدون»، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری و... پاسخ گفت. او درباره صحبت‌هایی مبنی بر تخفیف مجازات عاملان حمله به سفارت عربستان، گفت: «نظر دولت درباره تقبیح و محکومیت این رفتارهای اشتباه در سطح بین‌المللی بارها اعلام شده است. حمله و آتش‌زدن سفارتخانه غیر از اینکه در شأن ملت ایران نبود، باعث شد عربستان از زیر فشار افکار عمومی به خاطر مدیریت‌نکردن برگزاری حج و فاجعه منا خارج شود و ما زیر فشار قرار بگیریم. این کارها باعث خسارت ملی و لطمه به منافع کشور است و مسببان آن در مقابل قانون و خداوند مسئول‌اند. با چنین کارهایی به کسانی که به صورت غیرمعمول و غیرمنطقی و بی‌محابا به یک ملت بی‌دفاع مثل یمن حمله می‌کنند، فرصت می‌دهیم در عرصه‌های مختلف منافع ایران را هدف قرار بدهند». او ادامه داد: «ببینید الان که مثلا چندده میلیارد در برابر ۲۹۷ هزار میلیارد تومان بودجه جابه‌جا شود، چقدر وااسلاما و وامصیبتا سر می‌دهند که این روزها همه تریبون‌های مقدس و عادی به آن می‌پردازند. آیا خساراتی که این اشخاص به منافع ملی زدند، از خسارت چندمیلیاردی حقوق‌های نامتعارف کمتر است؟». نوبخت افزود: «به همین دلایل دولت معتقد است این افراد باید به سزای اعمالشان برسند».

فقط فریدون نیست که مشمول لطف برخی منتقدان می‌شود

نوبخت درباره افزایش هجمه‌ها و اتهامات به دولت به‌ویژه حسین فریدون دستیار ویژه رئیس‌جمهوری، گفت: «فقط ایشان نیست که مشمول الطاف برخی از منتقدان می‌شود، بلکه همه ما را شامل می‌شود. بنده فکر می‌کنم آن بخش از انتقادات منصفانه‌ای که رسانه‌ها می‌کنند، حق آنان است و ما موظفیم اگر این اشکال در ما هست، خودمان را اصلاح کنیم و نسبت به وجود آن اشکال عذرخواه باشیم». او ادامه داد: «در جاهایی هم که اگر تهمت باشد، خودم را موظف می‌دانم که اخیرا یکی از رسانه‌ها مطلبی منتشر کرده بودند که جوابشان را دادم؛ چون تشویش اذهان عمومی بود، مایل نبودم این کار را کنم و تکرار هم شده بود، بلافاصله به قوه قضائیه شکایت کردم و اگر اثبات شد، مشخص شود و اگر نشد هم باید خودشان را اصلاح کنند». سخنگوی دولت افزود: «عمده مباحثی هم که این روزها مطرح می‌کنند، مربوط به بحث ادامه تحصیل ایشان (حسین فریدون) است. وزارت علوم خود را موظف به ارائه گزارش مشروح کرد و چگونگی مباحث را تشریح کرد و جواب داد. موارد دیگری هم که گمانه‌زنی می‌شود و می‌توانند به هم ربط دهند، مراجع نظارتی، قضائی، امنیتی همه مسائل را کنترل می‌کنند و هرچه نتیجه آن باشد، ما همه تابع آن هستیم». نوبخت گفت: «ایشان چندروزی برای همین مسئله تحصیلات در منظر عموم نبود و دیدید که چه داستانی به پا شد، بنده فکر می‌کنم باید منصفانه عمل کنیم؛ چون تشویش اذهان عمومی درست نیست».

همه استثنائات تحت قانون خدمات کشوری قرار گرفتند

نوبخت در ابتدای توضیحات خود، درباره پرداخت‌های غیرمتعارف، از تجمیع همه پرداخت‌ها زیر قانون خدمات کشوری خبر داد. او با اشاره به اینکه حقوق‌های غیرمتعارف بازستانی شده، گفت: «دولت بر سر پیمان خود با مردم است. ابتدا بررسی شد که حجم و کمیت مدیران و کارکنانی که این دریافت‌ها را داشتند، چند نفر بودند؛ حدود هزار نفر یعنی حدود سه درصد پرداخت‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ نفر غیرمتعارف بوده که این عام همه مدیران نبود».

او با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته برخی دستگاه‌های اجرائی با اخذ اجازه از مجلس با استفاده از قوانین و مقرراتی خاص توانستند از قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنا شوند، گفت: «طبق آن برخی نهادها و دستگاه‌ها مثل شورای نگهبان، مجلس خبرگان، وزارت اطلاعات، کادر سیاسی وزارت خارجه، قضات، مؤسسات پژوهشی و فرهنگستان‌ها، اعضای هیأت‌های علمی و ستادی، وزارت نفت و شرکت‌ها و مؤسسات و سازمان‌های تابعه، سازمان انرژی اتمی، صندوق توسعه ملی، سازمان گسترش صنایع، سازمان توسعه و نوسازی، شرکت شهرک‌های کشاورزی و... مشمول این استثنائات بودند». سخنگوی دولت افزود: «چنین مستندات قانونی‌ای وجود داشته که آنها را از قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنا کرد. البته حتی اگر قانونی هم در این زمینه بوده، نباید بعضی‌ها از این تساهل قانونی، به نفع خود این‌گونه استفاده می‌کردند».

سخنگوی دولت با بیان اینکه عمده پرداخت‌های نامتعارف در بنگاه‌های اقتصادی مرتبط یا بی‌ارتباط با دولت بوده، گفت: «شورای حقوق و دستمزد از اختیارات خود استفاده کرد و همه دستگاه‌های خارج از شمول را ذیل قانون خدمات مدیریت کشوری قرار داد. بنابراین هیأت‌های علمی، قضات، نمایندگان مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس، تمام سازمان‌ها و شرکت‌های زیر نظر مقام معظم رهبری از جمله بنیاد مستضعفان، همچنین کمیته امداد، شهرداری‌ها، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و تمام سازمان‌ها و نظام‌ها مانند قوه قضائیه، دیوان محاسبات، بانک مرکزی، بیمه‌های مرکزی و ایران، کلیه شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی تحت شمول مواد پرداخت حقوق در قانون خدمات کشوری شدند». او ادامه داد: «برای مقابله با آن ابتدا ۱۳ مدیر عزل شدند و با استعفای بعضی از کسانی که دریافت غیرقانونی داشتند، موافقت شد. این مسئله برای ما پذیرفتنی نبود و مبالغ اضافی را بازستانی کردیم و خواهیم کرد».

نوبخت با اشاره به اینکه نباید این مسئله تکرار شود، تأکید کرد: «تلاش کردیم به جای تعدد قوانین و مقررات، قانونی را ذیل قانون مدیریت خدمات کشوری بیاوریم که تا ماه آینده در مجلس اصلاح خواهد شد؛ اما دولت منتظر این مسئله هم نماند و در ماده ۷۴ اختیاراتی به شورای حقوق و دستمزد داد که بتواند هرگونه افزایش حقوق را کنترل کند و دستگاه‌هایی که خارج از شمول بودند، زیرمجموعه قرار گرفتند و همه نهادهایی که مستثنا شده بودند از این به بعد تحت این قانون هستند».

سقف حقوق رؤسای ۳ قوه ۱۰ میلیون تومان

او سقف حقوق تعیین‌شده برای مقامات سیاسی را هم اعلام کرد: «مقامات سیاسی یعنی رؤسای سه قوه، معاون اول رئیس‌جمهوری، اعضای شورای نگهبان، وزیران، نواب رئیس مجلس، نمایندگان مجلس، معاونان رئیس‌جمهوری و مقامات هم‌تراز دریافت‌های‌شان باید زیر ۱۰ میلیون باشد». نوبخت افزود: «سایر مدیران که سیاسی نیستند، مانند بنگاه‌ها و کارخانه‌ها سقف خالص پرداختی به آنها بعد از کسورات نباید از سه برابر سقف حقوق تعیین‌شده در ماده ۷۶ بیشتر باشد؛ یعنی ۱۸میلیون‌و ۹۰۰ هزار تومان». نوبخت درباره پرداخت‌های دولت تا ابتدای مردادماه سال جاری هم گفت: «دولت از بابت ترمیم حقوق اعم از افزایش حقوق شاغلان و بازنشستگان پنج‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت کرده است و ماهانه هزارو ۲۰۰ تا هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان اضافه بر آنچه در سقف حقوق‌های جاری متناسب با سال گذشته صورت می‌گرفته، پرداخت می‌کند». او افزود: «دولت پرداخت پاداش بازنشستگان را آغاز کرده و مقرر شد چهارهزارو ۵۰۰ میلیارد تومان از این ماه پرداخت شود که اولین مرحله آن در ماه جاری پرداخت خواهد شد». او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره ادعای برخی نمایندگان مجلس نسبت به کلی‌بودن گزارش برجام گفت: «بخشی از موضوعات برجام که در ارتباط با محتوای گزارش است، در کمیسیون‌های مجلس مطرح شده و بخشی را که به تشخیص خود صلاح بدانند رسانه‌ای خواهند کرد». نوبخت با بیان اینکه در جلسات داخلی کمیسیون‌ها حد و مرزی برای پرسش درباره مفاد برجام وجود ندارد، گفت: «در موضوع برجام، به‌جز مجلس در شورای عالی امنیت ملی به‌صورت دقیق در حال نظارت است و نمایندگان مجلس اگر به استدلال بیشتر نیاز دارند، می‌توانند از مسئولان وزارت امور خارجه گزارش بخواهند».

سخنرانی ناطق‌نوری به مناسبت سالروز اقامه نخستین نماز جمعه کشور:

گاهی سکوت ارزش طلا دارد

ایلنا: حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری در همایش «نمازجمعه قرارگاه بصیرت و اخلاق» که به مناسبت پنجم مرداد - سالروز اقامه نخستین نمازجمعه کشور- در دانشکده علوم و فنون دریایی جوادالائمه(ع) چالوس برگزار شد با اشاره به وجه تسمیه نمازجمعه گفت: در تاریخ اسلام اولین گروه از مسلمانان که این روز را جمعه نامیدند از گروه انصار بودند.رئیس بازرسی دفتر مقام معظم رهبری وقار و سنگینی و متانت را از ویژگی‌های نمازگزار برشمرد و افزود: «حرف و عمل باید یکی باشد و اگر کسی وقتی حرفی را می‌گوید خود به آن عمل نکند در بین مردم بدبینی ایجاد می‌شود». ناطق‌نوری به رسالت امام‌جمعه اشاره کرد و متذکر شد: «در آیات سوره جمعه دستورهایی برای نمازگزاران و امام‌جمعه بیان شده است».او حرف خدایی‌زدن و برای خدا نگاه‌کردن و مرضی خدابودن را عامل دوری از تنش دانست و تصریح کرد: «اگر عبادات و اعمال از دل بلند شود تأثیرگذاری آن بیشتر است و خداوند غضب می‌کند که افراد حرف‌هایی را بزنند که خودشان عمل نمی‌کنند».رئیس بازرسی دفتر مقام رهبری با تأکید بر فرمایش‌های رهبری مبنی بر اینکه نمازجمعه قرارگاه تقوا و بصیرت است، بیان کرد: «زبان انسان مسئولیت دارد و گاهی سکوت ارزش طلا را دارد». ناطق‌نوری با بیان اینکه نمازجمعه برای ایجاد وحدت است، یادآور شد: «براساس آیات و روایات خواندن نماز در مساجد برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و نزدیک‌شدن دل‌ها مؤثر است».او طرح مسائل کلان و اجتماعی کشور و حکومت را از ویژگی‌های نمازجمعه دانست و گفت: «خطیب جمعه باید در نمازجمعه وحدت‌آفرینی کند». عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد: «ایجاد جاذبه در نمازجمعه سبب کشش افراد می‌شود و این نماز برای اصلاح جامعه و پرهیزکاری و توجه به خدا و دوری از معصیت در جامعه است؛ بنابراین خطیب جمعه مسئول بوده و باید در راستای این تعهدها عمل کند».ناطق‌نوری مطالعه و احاطه‌داشتن بر مسائل سیاسی و اجتماعی را برای ائمه جمعه ضروری دانست و افزود: «امروز در اطراف ایران آتش فراوانی شعله‌ور شده است اما اینکه در ایران با آرامش زندگی می‌کنیم به واسطه مدیریت قوی رهبر هوشیار و شجاع و خدمتگزاری سربازان گمنام امام زمان(عج) است». او دفاع از سوریه را دفاع از خود و منافع ملی ایران دانست و اظهار کرد: «اسرائیل و صهیونیست با حمایت آمریکا و غیرآمریکایی‌ها و جناح مسیحیت صهیونیست که تلفیقی از مسیحیت و یهود است می‌کوشند آن را نژاد برتر جلوه دهند تا کل جهان را در اختیار بگیرند و زمینه را برای آمدن مسیح آماده کنند که این همان گروه افراطی‌ها هستند».عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: «اگر ما سکوت می‌کردیم و سوریه در تصرف قرار می‌گرفت، به دنبال آن مسیر برای آمدن پشت مرز ایران فراهم می‌شد، ما قائلیم که خط مقدم ما فلسطینی‌ها هستند و اگر حمایت کنیم اسرائیل در جای خود می‌ماند».ناطق‌نوری لبنان و سوریه را خاکریز دوم و سوم ایران دانست و گفت: «هوشمندی و درایت رهبری سبب شد مردانه ایستادگی کنیم؛ از سویی این ملت بیدار و هوشیار بوده و پای آرمان‌های خود ایستاده است».او با تأکید بر پرهیز از ایجاد اختلاف و یأس در جوانان خاطرنشان کرد: «این انقلاب و کشور و ملت با وحدت و همدلی و هم‌زبانی حفظ می‌شود».

ادامه از صفحه اول

ناپیوستگی سیاست‌ها و بی‌مسئولیتی

یعنی دوره‌های انتخاباتی با دوره‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هم‌زمان نیست. مدیران ارشد سیاسی با مدیریت اجرائی و بدنه کارشناسی ارتباط ذهنی عمیقی پیدا نمی‌کنند و تا به درک اهمیت یک سیاست می‌رسند، دوران خود را سپری کرده‌اند. به این شکل، سنت اداری در اداره کشور شکل نمی‌گیرد.

از انقلاب مشروطه تاکنون میانگین تغییرات مهم سیاسی هر ۸ یا ۱۰ سال یک بار بوده است و این سبب می‌شود که عملا سنت اداری که نیازمند ثبات سیاسی است، شکل نگیرد.

چه باید کرد؟

به عنوان اولین گام، مهم آن است که بپذیریم اساسا چنین مسئله‌ای داریم. کالبدشکافی یک مسئله عمومی اگر مهم‌تر از راه‌حل آن نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آن نیست. چه بسیارند مشکلات بخش دولتی که به دلیل فقدان درک روشنی از آنها به صورت مزمن و پایدار در بدنه دولت باقی می‌مانند. درک مسئله خود بخش مهمی از پاسخ است. سخن‌گفتن و نقادی دائم روش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در دولت، نخستین و مهم‌ترین گام است؛ چیزی که مطلقا خبری از آن نیست. ما باید راجع به «پراتیک» روزمره خود و به‌ویژه روش انجام کارهایمان دائم نقادی و تفکر جمعی کنیم. بشر، اغلب با گفت‌وگو تفکر می‌کند. این نکته ساده و درعین‌حال مهمی است که می‌تواند راهگشای ما و عامل مهمی در بهبود کارها باشد. قرار نیست که کتاب‌های اندیشمندان مدیریتی را از بَر کرده و آن را پیاده کنیم تا مشکلاتمان رفع و رجوع شود. این کتاب‌ها ارزشمند، مفید و استفاده‌کردنی هستند؛ اما هیچ چیزی جای تفکر نقادانه و گفت‌وگوی انتقادی را نمی‌گیرد. در واقع این دو مکمل یکدیگرند.

دوم، «برنامه جامع» سم مهلک دولت‌هاست. عمر چهارساله دولت‌ها تمرکز بر چند پروژه اصلی را ضروری می‌کند. مدیران ارشد نباید خود را درگیر به‌اصطلاح «چاله چوله‌های» کارهای کوچک مانند حضور در جلسات تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و افتتاح‌های روزمره و وقت‌گیر و... کنند. امور غیراولویت‌دار را باید به «روتین» اداری سپرد. من در مقالات دیگری درباره اولویت‌ها سخن گفته‌ام که تکرار نمی‌کنم. عنصر زمان بسیار مهم است. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد دولتی که در ۹۰ روز ابتدایی به‌قدرت‌رسیدن، پروژه‌های اصلی اجرائی کشور را تشخیص نداده و در اولویت اجرائی و گفتمانی خود قرار ندهد و بدنه اجرائی را نسبت به آنها مسئولیت‌پذیر نکند، چهار سال زمان خود را باخته است.

سوم، خودآگاهی نسبت به چند پروژه اصلی و تبدیل آن به گفتمان مدیریتی در سطح مدیران میانی و ارشد کشور، فضایی را برای جامعه‌پذیری سیاستی (با «جامعه‌پذیری سیاسی» اشتباه نشود) فراهم می‌کند. به این شکل مدیران جدید، نمایندگان تازه ازراه‌رسیده و شخصیت‌های سیاسی جدیدی که وارد گردونه قدرت می‌شوند، تحت آموزشی غیرمستقیم قرار می‌گیرند. یکی از ابزارهای مهم فائق‌آمدن بر پدیده ناپیوستگی سیاست‌ها همین است. معاون اول رئیس‌جمهوری نقشی بسزا در گفتمان‌سازی دارد. وی باید بتواند به‌سرعت به ابعاد گوناگون این پدیده تسلط یابد و گفتمان‌سازی در سطح معاونان وزیران، استانداران و... را در اولویت خود قرار دهد تا همگی و به صورت پیوسته و مسئولیت‌پذیر درگیر دو تا پنج پروژه اصلی کشور شوند. به این شکل اراده سیاسی و مسئولیت‌پذیری مدیران شکل گرفته و بر این پروژه‌ها متمرکز می‌شوند. این گام‌های سه‌گانه ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند به‌تدریج راه را برای فائق‌آمدن بر دو بیماری مهم دیوان‌سالاری ایرانی، یعنی ناپیوستگی و بی‌مسئولیتی هموار کند.

روزنه

نامه ۹۲ تشکل دانشجویی به روحانی

۹۲ تشکل دانشجویی در نامه‌ای به حسن روحانی با اشاره به اینکه حیات سیاسی کشور در دولت گذشته به اغمایی عمیق فرو رفته بود، به معضلاتی اشاره کرده‌اند که می‌تواند مسیر تدبیر و امید را با چالش روبه‌رو کند. در این نامه آمده است: ریاست محترم جمهور، در آستانه آغاز چهارمین سال ریاست شما بر جمهور مردم، بر آن شدیم تا معضلات و مشکلاتی که ممکن است در ادامه مسیر تدبیر و امید مخل حرکت این کاروان گردد را با جنابعالی در میان بگذاریم. نیک به یاد داریم که پیش از دولت شما، حیات سیاسی کشور به اغمایی عمیق فرورفته و رخوت و ناامیدی بر فضای جامعه حاکم بود. این «امید به تدبیر» بود که همگان را مجاب کرد تا به جنگ استیصال رفته و بار دیگر با انتخاب خود، سرنوشت مطلوب را از نو رقم بزنند. همان‌گونه که مستحضرید، خون تازه‌ای که جریان دانشجویی همواره در بزنگاه‌ها به بطن جامعه تزریق کرده است، این بار نیز جامعه را به پروردن بذر امید، ترغیب کرد. این جریان در این مدت - با تمام نقدهای وارد بر دولت - از رویکردهای منطقی و سازنده آن حمایت کرده و دیده‌بان سپهر سیاسی کشور بوده است. این را نه لطفی در حق کسی، که وظیفه‌ای در قبال سرزمین عزیزمان می‌دانیم. کشوری که نیمی از جمعیت آن را جوانانی تشکیل داده‌اند که سرشار از توانایی و استعداد بوده اما دریچه‌ای که به آنان نگریسته می‌شود، نگاهی «غیرخودی» و «امنیتی» است که موجبات دلسردی و هدررفت این نیروهای گران‌مایه را فراهم آورده است. دراین‌میان اما مهم‌ترین وزارتخانه‌های مرتبط با دانشجویان که توقع می‌رفت رویکردی امیدبخش و متفاوت از دولت قبل را در پیش بگیرند، شوربختانه اسباب ناخرسندی دانشجویان گردیده‌اند. ارتباط محدود وزارت علوم و وزارت بهداشت با بدنه دانشگاهی و عدم اشراف به معضلات و دغدغه‌های راستین دانشجویان موجب گردیده است که خواست‌ها و مطالبات مهم و حیاتی ما نادیده گرفته‌شده و فضای دانشگاه روزبه‌روز سیر ناامیدکننده‌ای را بپیماید. فضای امنیتی گذشته کماکان گریبان دانشگاه را گرفته است و به گونه‌های مختلف احساس می‌گردد. لغو برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی از سوی نهادهای غیرمسئول بدون ارائه دلیل و هماهنگی با وزارت علوم که نافی استقلال این وزارتخانه است، عدم رسیدگی به درخواست تشکیل اتحادیه‌های دانشجویی و اخلال در روندهای مربوطه ازجمله جلوگیری از برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی تشکل‌های دانشجویی که منجر به عدم همگرایی در فعالیت تشکل‌ها و نارسایی در پیشبرد اهداف کلان و جامع دانشجویی می‌گردد، دخالت‌های غیرقانونی و فراقانونی در فرم برگزاری برنامه‌ها به شکلی که ماهیت برنامه‌های درخواستی به‌کلی دگرگون شده و در نهایت، صدور مجوز با تعویق و تعلیق مواجه می‌گردد. اِعمال سلایق شخصی در صدور مجوز برای میهمانان و سخنرانان توسط هیأت‌های نظارت که موجب سردرگمی و برهم‌خوردن برنامه‌های موردنظر می‌گردد، عدم ارائه دلایل مکتوب مطابق آیین‌نامه در رد برنامه‌های درخواستی از سوی تشکل‌ها، انواع برخوردهای تبعیض‌آمیز و رفتارهای دوگانه با تشکل‌ها از اختصاص ناعادلانه بودجه تا فرآیندهای زمانی طولانی در پاسخ به درخواست صدور مجوز توسط مسئولان، پرونده‌سازی برای کنشگران دانشجویی صرفا به بهانه حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، فعال‌سازی طرح‌هایی توهین‌آمیز و در تعارض با قانون اساسی نظیر رصد امور شخصی دانشجویان در فضای مجازی به بهانه‌های واهی که موجبات تفتیش و تجسس را فراهم می‌آورد، دامن‌زدن به نگاه جنسیتی و اِعمال طرح‌های تفکیکی در موارد گوناگون و... مشتی از خروار مشکلات دانشجویان در این برهه است که متأسفانه وزارت علوم نیز تاکنون پاسخ‌گوی این حجم عدیده از مشکلات نبوده و با ابراز ناتوانی در حل این مسائل و مماشات در قبال دخالت نهادهای امنیتی، مسئولیت‌ناپذیری خود را توجیه می‌کند. هرچند که نقش و فشار نهادهای غیرمسئولِ خارج از دانشگاه در تداوم این شرایط، کماکان تأثیرگذار است، بی‌توجهی و بی‌اطلاعی شخص وزیر علوم از مشکلات دانشجویان و تشکل‌های دانشگاهی نیز تا حدی است که این معضلات از حوزه معاونت فرهنگی این وزارتخانه فراتر نرفته و عدم پیگیری این امور از سوی وزیر، امری توجیه‌ناپذیر است.

جناب رئیس‌جمهور! در این سال که منتهی به انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد، فضای دانشگاه‌های کشور بسیار نگران‌کننده است. خطر انفعال دانشگاه و تشکل‌های دانشجویی به‌خصوص در انتخابات پیش‌رو به‌شدت احساس می‌شود. متأسفانه به‌نظر می‌رسد دانشگاه و دانشجو، موضوعِ مغفول‌مانده در اولویت‌ها و تصمیم‌گیری‌های شخصِ رئیس‌جمهور و دولت محترم است. این انفعال و بی‌انگیزگی بیش و پیش از همه باید هشداری برای دولت تدبیر و امیدی باشد که ثمره شور و حرکت‌آفرینی دانشجویان و دانشگاهیان است. امید است با پیگیری مستقیم شخص شما در این قضایا، شاهد استقلال و قدرت هرچه بیشتر وزارت علوم، اتخاذ تدابیر اصولی و قانونمند در حل هرچه سریع‌تر مشکلات ذکرشده از سوی این وزارتخانه و وزارت بهداشت، رفع محدودیت‌ها و تسهیل در شکل‌گیری تشکل‌ها، کانون‌ها و اتحادیه‌های صنفی و دانشجویی، رفع فضای مداخله‌گرانه و بهبود هرچه سریع‌تر عرصه عمومی جامعه به‌خصوص دانشگاه‌ها باشیم.